

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفاى دل سابق)

سال هفتم، شماره بیستم، زمستان ۱۴۰۳ (صص ۲۵-۴۵)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/jmzf.2026.545246.1249

تحلیل کنش‌های گفتاری براساس نظریه ادب براون و لوینسون

(مطالعه تطبیقی داستان نوجوان فارسی و مصری)

مریم جلالی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، متمرکز بر نظریه کنش گفتار ادب براون و لوینسون است که در آن به تحلیل کنش‌های گفتاری شخصیت‌های اصلی دو رمان برجسته نوجوان، سفر به شهر سلیمان نوشته فریدون عموزاده خلیلی و حسناء والثعبان الملکی اثر یعقوب الشارونی پرداخته شده است. هدف بررسی، این است که شخصیت قهرمانان در متن چگونه در مواجهه با موقعیت‌های تهدیدکننده وجهه، از راهبردهای ادب بهره می‌گیرند و این راهبردها چه نقشی در هویت‌سازی روایی، پیشبرد متن دارند. چارچوب نظری پژوهش بر نظریه اولیه کنش گفتار آستین و سرل و به‌ویژه تقسیم‌بندی راهبردهای ادب براون و لوینسون استوار است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و تحلیل داده‌ها از طریق استخراج و طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری در دو متن انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در سفر به شهر سلیمان، رابطه قدرت مستقیم و فاصله اجتماعی کم، میان دخترقالی باف و حشمت‌خان، سبب غلبه راهبردهای صریح و بدون پرده‌پوشی می‌شود؛ در حالی که در حسناء والثعبان الملکی، شخصیت قهرمان به دلیل ساختار رسمی و قدرت عمودی شخصیت ضدقهرمان، قهرمان نوجوان بیشتر به راهبردهای غیرمستقیم و ادب منفی گرایش دارد. نتیجه آنکه هر دو قهرمان برای حفظ وجهه منفی (آزادی و استقلال)، به صراحت رو می‌آورند؛ اما مسیر و شیوه دستیابی آنان به کنش گفتاری رهایی‌بخش متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: کنش گفتار، براون و لوینسون، ادب مثبت و منفی، ادبیات نوجوان، عموزاده

خلیلی، الشارونی.

^۱ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

ma_jalali@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

۱. مقدمه

دنیای نوجوانی سرشار از آگاهی و جنبش است؛ جهانی که نوجوانان آن را نخست با حواس خود می‌شناسند و تجربه‌های گران‌مایه‌اش را در پیچ‌وخم ذهن و جان می‌سپارند، تا آرام‌آرام از مرز نوجوانی عبور کرده و به آستانهٔ جوانی برسند. ادبیات کودک و نوجوان، با اقتضائات ویژهٔ خود، می‌تواند همراهی قابل اعتماد در این مسیر باشد و پلی استوار میان نوجوانی و بزرگسالی بنا کند.

در تقابل فرهنگ‌ها، جابجایی و انتقال واژگان، موضوع، تصاویر و قالب یا احساسات و عواطف در این محدوده (ندا، ۱۳۷۸: ۲۶) قرار می‌گیرد. در این حوزه گروهی به تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از یکدیگر معتقدند (کفافی، ۱۳۸۲: ۷) و گروهی نیز صرفاً با یافتن تلاقی شباهت‌های احتمالی و پیام حاصل از آن را در ادبیات ملل بررسی می‌کنند. در دوران معاصر، تحولات جدید در نگرش به ادبیات کودک و نوجوان سبب شده است که این شاخه از ادبیات به صورت مستقل در بخش ادبیات ملل بررسی شود. «انتخاب یک متن خوب یا خلق آن، تأثیر چشمگیری در جلب رضایت و به تبع افزایش خواننده و مخاطب دارد. این نگرش از سال ۱۹۸۸ در غرب مطرح شد و همچنان طرفداران خود را دارد. مارگارت میک، یکی از صاحب نظرانی است که معتقد است نوجوان با اولین نگاه به متن می‌تواند حدس بزند یا درک کند که چه چیزی قرار است خوانده شود و درک همین موضوع است که می‌تواند خواننده را به ادامه‌ی مطلب و رفتن به صفحه بعد رهنمون کند یا جلوی پیشرفت مطالعه‌ی او را بگیرد» (جلالی، ۱۳۹۳: ۷۶). نظریهٔ کنش‌گفتار، از بنیان‌های مهم گفتارشناسی درون‌متنی است و در داستان نوجوان، گفتار شخصیت‌ها به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای هویت‌بخشی روایی بدل می‌شود. از آن‌جا که در آثار فریدون عموزاده خلیلی و یعقوب الشارونی، به‌مثابهٔ دو نویسندهٔ برجستهٔ ادبیات نوجوان، الگوهای مشترک و پرتکراری

از گفتارهای درون‌متنی دیده می‌شود، این پژوهش به تحلیل ساختارمند و تطبیقی کنش‌های گفتاری مشابه در آثار آنان می‌پردازد.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

با تکیه بر کنش‌های گفتاری ادب براون و لوینسون، بررسی تطبیقی نوع کنش‌های گفتاری در داستان‌های نوجوان فارسی و مصری و تبیین نقش آن‌ها در کیفیت برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب انجام شده است. سؤال تحقیق این است که کاربرد و تفاوت راهبردهای ادب نظریهٔ براون و لوینسون توسط شخصیت‌های اصلی دو رمان نوجوان در مواجهه با موقعیت‌های تهدیدکننده وجهه با تکیه بر کنش‌های گفتاری چگونه تحلیل می‌شود؟ لذا در روش توصیفی و تحلیلی این پژوهش، پس از تبیین نظریهٔ کنش گفتار مذکور، مصادیق این کنش‌ها در آثار دو نویسنده شناسایی و تحلیل شده است.

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

این پژوهش با تکیه بر اینکه دنیای نوجوانی آکنده از آگاهی، حرکت و تجربه‌های عاطفی و ذهنی است و ادبیات کودک و نوجوان می‌تواند پلی مطمئن میان این دوره و بزرگسالی بسازد، به بررسی نقش گفتار در هویت‌سازی روایی می‌پردازد. در بستر تعامل و جابه‌جایی فرهنگی ملت‌ها و در پی دگرگونی‌های معاصر در مطالعات ادبیات کودک، تحلیل ساختارمند کنش‌های گفتاری به‌عنوان ابزاری اساسی برای فهم روایت نوجوان ضرورت یافته است. بر همین اساس، آثار عموزاده‌خلیلی و الشارونی دو چهره برجسته ادبیات نوجوان به دلیل الگوهای مشترک و پرتکرار گفتار درون‌متنی انتخاب شده‌اند. هدف نهایی، تحلیل تطبیقی کاربرد و تفاوت راهبردهای ادب براون و لوینسون

در مواجهه شخصیت‌های اصلی این دو رمان با موقعیت‌های تهدیدکننده وجهه و تبیین نقش این راهبردها در کیفیت ارتباط با مخاطب است.

۳-۱. پیشینه تحقیق

علاوه بر وجود مبانی اولیه این نظریه در کتاب‌هایی که در بخش منابع آمده است در ارتباط با تحلیل متون بر پایه کنش گفتار تاکنون تعداد اندکی مقاله به چاپ رسیده است که بر می‌شماریم: «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» (ساجدی، ۱۳۸۱): در این مقاله، پژوهشگر به تحلیل گزاره‌های دینی، چند بُعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین و اشتباه برخی از دین‌شناسان غربی در غفلت از بُعد اخباری گزاره‌های دینی و واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انشایی دینی با تکیه بر دیدگاه آستین پرداخته است. در هیچ یک از آثار مذکور مستقیماً به نقد و تحلیل تطبیقی متون داستانی و پیوند آن با کنش گفتار در داستان‌های عربی و فارسی اشاره نشده است. پژوهش حاضر می‌تواند بابت تازه در ارتباط با بررسی کنش گفتار در متون داستانی فارسی و عربی بگشاید.

از آنجا که تفسیر شهودی متون پشتوانه‌ای روشمند ندارد، تحلیل علمی آثار ادبی نیازمند چارچوب‌های نظری دقیق است. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی و براساس نظریه کنش گفتار ادب براون و لوینسون، به تحلیل گفتار شخصیت‌های اصلی در دو اثر شاخص از ادبیات نوجوان فارسی و عربی، سفر به شهر سلیمان (۱۳۶۸) اثر فریدون عموزاده خلیلی و *حسناء و الشعبان الملکی* (۲۰۰۴) نوشته یعقوب الشارونی می‌پردازد. انتخاب این دو نویسنده، با توجه به جایگاه برجسته و تأثیرگذار آنان در ادبیات کودک و نوجوان ایران و مصر، نقش اجتماعی و فرهنگی آثارشان، شباهت‌های فکری و نوشتاری و نیز توجه گسترده نهادها و انجمن‌های تخصصی به نوشته‌های ایشان صورت گرفته است.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. نظریهٔ کنش گفتار

زبان به انسان اجازه می‌دهد تا بتواند بازگوکننده شیوه‌های رفتاری یکسان از نسلی به نسل دیگر باشد (فنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۹۷). گروهی معتقدند برای درک متون داستانی که بر پایهٔ کلمات و واژگان شکل گرفته، نیاز به رمزگشایی واژگان از طریق زبان‌شناسی ضروری است؛ پالمر عقیده دارد زبان‌شناسی، مطالعهٔ علمی یک زبان است (پالمر، ۲۰۰۸: ۲۲). در این میان نظریهٔ کنش گفتار یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیل و نقد تعاملی و گفتار است که با رویکرد گفتارشناسی در نقد ادبی جای می‌گیرد. آستین، استاد فلسفهٔ اخلاق دانشگاه آکسفورد از پیشگامان پرداختن به نظریه گفتار بوده است (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۲) و مبادله اطلاعات را در قالب ساختار گفتار می‌دانست؛ او گفتن را برابر با کنش گوینده به شمار می‌آورد (لطفی پور، ۱۳۷۲: ۱۰). پس از او سرل، نظریهٔ مذکور را با این نگرش که نظام کنش گفتاری علاوه بر بیان تکواژها و کلمات بر پایهٔ جمله‌ها تنظیم می‌شود و معنا و مرجع دارد (Searle، ۱۹۷۹: ۱۸۲) تکمیل کرد. ورشون معتقد است تئوری سرل، پوشش خوبی برای طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری است زیرا کنش‌های گفتاری سرل گونه‌های مختلف گفتار را در برمی‌گیرد (Verschueren، ۲۰۰۳: ۲۴). طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل به صورت زیر انجام شده است:

کنش اظهاری، کنش تعهدی، کنش عاطفی، کنش ترغیبی و کنش اعلامی.

نظریهٔ ادب براون و لوینسون توسط پنه‌لوپه براون و استیون لوینسون در دههٔ ۱۹۷۰ و به‌طور نظام‌مند در کتاب تأثیرگذار آنان با عنوان *ادب: برخی اصول جهانی در کاربرد زبانی* (Politeness: Some Universals in Language Usage) ارائه شد. این

نظریه یکی از مهم‌ترین بسط‌های نظریه کنش‌گفتاری پس از آستین و سرل محسوب می‌شود و تمرکز اصلی آن بر رابطه میان زبان، کنش‌گفتاری و ساختارهای اجتماعی قدرت و ادب است (Levinson & Brown، ۱۹۸۷).

براون و لوینسون نظریه خود را بر مفهوم بنیادین «وجهه» (*Face*) بنا می‌کنند؛ مفهومی که ریشه در جامعه‌شناسی اروینگ گافمن دارد. منظور از وجهه، تصویر ذهنی و اجتماعی‌ای است که هر فرد مایل است در تعاملات زبانی حفظ شود. آنان وجهه را به دو نوع تقسیم می‌کنند: **وجهه مثبت** و **وجهه منفی**. وجهه مثبت به تمایل فرد برای پذیرفته‌شدن، تأیید شدن و محترم شمرده‌شدن از سوی دیگران اشاره دارد، در حالی که وجهه منفی ناظر بر تمایل فرد به استقلال، آزادی عمل و عدم تحمیل از جانب دیگران است (Levinson & Brown، ۱۹۸۷: ۶۱). براساس این چارچوب، بسیاری از کنش‌های گفتاری ذاتاً تهدیدکننده وجهه‌اند و براون و لوینسون آن‌ها را «کنش‌های تهدیدکننده وجهه» یا (*FTA*) می‌نامند. برای مثال، کنش‌هایی چون دستور دادن، انتقاد کردن، تهدید کردن یا حتی درخواست ساده، می‌توانند وجهه منفی مخاطب را تهدید کند، چراکه آزادی عمل او را محدود می‌سازد. همچنین کنش‌هایی مانند سرزنش یا بی‌اعتنایی می‌توانند تهدیدی برای وجهه مثبت فرد باشند، زیرا احساس ارزشمندی اجتماعی او را خدشه‌دار می‌کنند.

براون و لوینسون فرض می‌کنند که گویندگان عقلانی در موقعیت‌های ارتباطی می‌کوشند شدت این تهدید را کاهش دهند. از این‌رو، آن‌ها چهار راهبرد اصلی برای انجام کنش‌های گفتاری تهدیدکننده وجهه معرفی می‌کنند. نخست، انجام کنش گفتاری به صورت مستقیم و بدون پوشش ادبی (*Bald on-record*) که معمولاً در موقعیت‌های قدرت بالا یا فوریت به کار می‌رود. دوم، انجام کنش با راهبردهای ادب مثبت (*Positive Politeness*) که هدف آن تأکید بر همبستگی، صمیمیت و

ارزشمندی مخاطب است. سوم، استفاده از راهبردهای ادب منفی (*Negative Politeness*) که با احتیاط، غیرمستقیم‌گویی و احترام به استقلال مخاطب همراه است. چهارم، انجام غیرمستقیم کنش گفتاری (*Off-record*) که در آن گوینده مسئولیت صریح کنش را بر عهده نمی‌گیرد و معنا را به استنباط مخاطب واگذار می‌کند. انتخاب هر یک از این راهبردها به ارزیابی گوینده از «وزن تهدید» کنش گفتاری بستگی دارد. براون و لوینسون این وزن را تابع سه متغیر اجتماعی می‌دانند: میزان فاصله اجتماعی میان گوینده و مخاطب، میزان قدرت نسبی مخاطب نسبت به گوینده و درجهٔ تحمیل کنش گفتاری در فرهنگ مورد نظر. این فرمول‌بندی نشان می‌دهد که کنش گفتاری صرفاً عملی زبانی نیست، بلکه محصول مستقیم ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است (همان: ۷۴-۷۶). نظریهٔ براون و لوینسون تأثیر عمیقی بر حوزه‌های کاربردشناسی، تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی اجتماعی و مطالعات ادبی گذاشته است. این نظریه به پژوهشگران امکان می‌دهد که کنش‌های گفتاری را در پیوند با قدرت، هویت و روابط اجتماعی تحلیل کنند. با این حال، این چارچوب نظری با انتقادهایی نیز مواجه بوده است؛ از جمله ادعای جهان‌شمولی مفهوم وجهه که از سوی پژوهشگران فرهنگی و بین‌فرهنگی مورد تردید قرار گرفته است. با وجود این انتقادات، نظریه ادب براون و لوینسون همچنان یکی از ارکان اصلی تحلیل کنش گفتاری در زبان‌شناسی معاصر به شمار می‌رود.

از آنجا که «تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل جهان و نظارت بر تمام مبادلات و معاملات فکری و ادبی از سر حد قلمرو زبان قومی فراتر می‌رود» (غنیمی الهلالی، ۱۳۷۳: ۳۱)، عامل اتحاد متون ادبی را می‌توان در وجوه اشتراک میان متنی در سازه‌های ادبی و زبانی ملل دانست. در حوزهٔ ادبیات، داستان، دامنهٔ وسیع‌تری نسبت به غیر داستان دارد. کاربرد داستان از تکنیکی‌ترین و روشمندترین انواع نوشته‌های ادبی است. «داستان تسلسلی است که رویدادها عملاً در آن اتفاق می‌افتد و می‌توان

وقایع را از متن استنباط کرد. در روایت با عمل روایت کردن اجرا می‌شود» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۴۵). به همین دلیل بررسی کنش‌های گفتاری شخصیت‌ها در داستان‌های برگزیده از فریدون عموزاده خلیلی و یعقوب الشارونی علاوه بر تبیین مناسبات متنی - ادبی، می‌تواند گویای رابطه اتحاد معاملات فکری نویسندگان در تعامل با متن داستانی نیز باشد.

چنین نگرشی سبب شده است که گروهی از صاحب‌نظران، شخصیت را عنصر محوری و بنیانی داستان بدانند؛ چنان‌که براهنی بر این باور است: «تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد» (براهنی، ۱۳۶۲: ۲۴۲). از دیدگاهی دیگر، شخصیت در اثر روایی یا نمایشی، فردی است که کیفیت‌های روانی و اخلاقی او در ساحت عمل و گفتار آشکار می‌شود (میرصادقی، ۱۳۸۹: ۶۵۲). در این زمینه زیگلر معتقد است: «در شروع داستان، شخصیت‌ها باید معرفی شوند یا نامشان ذکر شود و یا وجودشان تفهیم گردد» (زیگلر، ۱۳۶۸: ۴۹). اطلاعات مربوط به شخصیت‌ها در داستان، از سه مسیر اصلی به دست می‌آید که در تحلیل شخصیت، اهمیتی بنیادین دارد. آنچه راوی به مخاطب منتقل می‌کند؛ آنچه شخصیت درباره خود بازمی‌گوید و آنچه خواننده از خلال کنش‌ها و رفتار شخصیت در فضای داستانی درمی‌یابد (فقیه ملک‌مرزبان، ۱۳۸۰: ۳۶۵). در روش مستقیم، راوی خود به تشریح خصلت‌ها و ویژگی‌های روحی شخصیت می‌پردازد؛ اما در روش غیرمستقیم، به جای توصیف صریح صفات، از کنش و به‌ویژه کنش گفتاری بهره می‌گیرد (حدادی، ۱۳۸۸: ۷). در این‌جاست که اهمیت کنش گفتار آشکار می‌شود؛ زیرا گفتار شخصیت، از حیث محتوا و ساختار، می‌تواند نشانه‌ای روشن از خصیصه‌های درونی او باشد (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۸۹). در ادبیات کودک و نوجوان، کنش گفتار در آثار با تکمیل کنش داستانی و گریز از یکنواختی روایت، به پیشبرد درون‌مایه می‌انجامد.

این تحلیل تطبیقی براساس سؤال پژوهشی ارائه شده و با بهره‌گیری از چارچوب نظری ادب براون و لوینسون (Politeness Theory) انجام می‌پذیرد. هدف، بررسی چگونگی استفاده شخصیت‌های اصلی دو رمان نوجوان از راهبردهای ادب در مواجهه با کنش‌های تهدیدکننده وجهه است. تحلیل به ترتیب داستان اول، داستان دوم و قیاس نهایی ارائه می‌شود.

۲-۲. طبقه بندی کنش گفتاری در سفر به شهر سلیمان

ابتدا خلاصه‌ای از داستان سفر به شهر سلیمان را می‌آوریم. این داستان، روایت زندگی دختر قالی‌باف است که به اجبار در کارگاه تاریک و نمور حشمت‌خان روزگار می‌گذراند. او با رؤیای رهایی، در پی بافتن قالیچه‌ای پرنده‌وار همچون قالیچهٔ حضرت سلیمان است تا به شهری آرمانی سفر کند. با وجود تصمیم حشمت‌خان برای فروش قالیچه، در پایان داستان پرنده‌های قالی جان می‌گیرند و دختر قالی‌باف را بر قالیچه سوار کرده، راهی شهر حضرت سلیمان می‌کنند.

در ادامه به ذکر کنش‌های گفتاری هر یک می‌پردازیم. در این داستان، کنش گفتاری بین دختر قالی‌باف (قهرمان) و حشمت‌خان (ضد قهرمان)، نمایانگر تقابل شدید میان اقتدار و آزادی عمل است.

■ قهرمان

در کنش‌های گفتاری شخصیت اصلی قهرمان، دختر قالی‌باف عمدتاً بر تثبیت هویت آرمانی و دفاع از استقلال متمرکز است.

۲-۲-۱. کنش‌های اظهاری و تعهدی: ساختن وجهه مثبت

بیشتر اظهارات دختر قالی‌باف در جهت تقویت وجهه مثبت خود (تمایل به تأیید و ستایش برای توانایی‌هایش) صورت می‌گیرد. او با توصیف زیبایی کار خود و آینده آن، خود را به‌عنوان یک هنرمند رؤیایی و هدفمند تعریف می‌کند:

«نقش‌هایش خوشگل است» (عموزاده خلیلی، ۱۳۶۸: ۱۲). «قالی خوشگل می‌شود» (همان)

این اظهارات تا آنجا پیش می‌رود که به‌صورت یک کنش تعهدی و تعیین‌کننده هویت او درمی‌آید: «من آخرش هم یک روز قالیچه‌ای می‌بافم که مثل قالیچه حضرت سلیمان، پرواز کند» (همان: ۸). این تعهد، یک کنش‌های تهدیدکننده وجهه روانی علیه نظام ارزش‌های حشمت‌خان (که فقط به جنبه مالی اهمیت می‌دهد) محسوب می‌شود، زیرا برتری جهان آرمانی خود را اعلام می‌کند. در نهایت، بیان تصمیم او برای فرار، یک اظهار تهدیدآمیز علیه اقتدار حشمت‌خان است: «فردا آفتاب نزده، قبل از آن که حشمت‌خان بیاید، من پرنده‌هایم را برمی‌دارم و به کوه‌های پشت آبادی فرار می‌کنم» (همان).

۲-۲-۲. کنش‌های ترغیبی و عاطفی: استفاده از ادب منفی و صراحت

دختر قالی‌باف هنگام درخواست از ننه حلیمه، از راهبرد ادب منفی استفاده می‌کند تا تحمیل را کاهش دهد. پرسش‌هایی چون: «ننه حلیمه! من نقش همه پرنده‌های دنیا را می‌خواهم؛ تو آن‌ها را داری؟» (همان: ۱۰). با لحن پرسشی خود، حق انتخاب را برای مخاطب حفظ می‌کند. با این حال، کنش عاطفی او در دفاع از آرمان‌هایش، به‌صورت بدون پرده‌پوشی قاطع بیان می‌شود: «غلط می‌کند همچین حرفی بزند» (همان). این صراحت، نشان‌دهنده شدت عاطفه و دفاع رادیکال از وجهه مثبت مورد تهدید خود است.

۲-۲-۳. کنش اعلامی: اوج رویارویی و نقض اقتدار

تنها کنش اعلامی دختر قالی‌باف، نقطه اوج داستان و رویارویی مستقیم با قدرت است. اعلام اتمام قالیچه: «چرا حشمت‌خان، قالیچه تمام شد، تمام تمام» (همان: ۱۸). یک کنش‌های تهدیدکنندهٔ وجههٔ بسیار شدید علیه وجههٔ منفی (آزادی عمل/کنترل) حشمت‌خان است. این اعلام، قاطعانه، سریع و بدون پرده‌پوشی انجام می‌شود تا هیچ شک و تردیدی برای سلب اختیار او باقی نماند؛ یعنی قهرمان در لحظهٔ پیروزی، راهبرد ادب را کاملاً کنار می‌گذارد.

■ ضد قهرمان

در کنش‌های گفتاری شخصیت اصلی ضد قهرمان، حشمت‌خان از گفتار به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت و سلب وجههٔ منفی دختر قالی‌باف استفاده می‌کند. کنش‌های او تقریباً همواره در جهت تهدید آزادی عمل و استقلال قهرمان است.

۲-۲-۴. کنش‌های ترغیبی: تهدید مستقیم وجههٔ منفی

غلبه کنش‌های ترغیبی در گفتار حشمت‌خان، مستقیماً وجههٔ منفی دختر قالی‌باف را هدف قرار می‌دهد و از راهبرد بدون پرده‌پوشی صریح بهره می‌برد، زیرا قدرت (P) او بالاست و نیازی به حفظ ادب نمی‌بیند:

- دستور و بازخواست: «این نقش‌ها چیه شروع کرده‌ای؟» (همان: ۱۲) و «از کی تا حالا اوستای خودت شده‌ای، سرخود نقش می‌زنی؟» (همان). این‌ها کنش‌های تهدیدکنندهٔ وجههٔ مستقیم هستند که آزادی عمل دختر قالی‌باف را در بافتن نقش دلخواه، کنترل می‌کنند.
- تهدید پیامدی: «اگر یک مو از سر این قالی کم بشود می‌دانی چه قدر افت قیمت پیدا می‌کند؟» (همان) «آن وقت تو می‌آیی خسارتش را بدهی» (همان).

این تهدید صریح و محاسبه‌گرانه، تلاشی برای اجبار دختر قالی‌باف به پیروی و تأکید بر عدم استقلال مالی و فنی اوست.

۲-۲-۵. کنش‌های اظهاری و عاطفی: ادب مثبت دروغین

اظهارات حشمت‌خان دربارهٔ زیبایی قالیچه «پرنده‌هایش انگار زنده‌اند» (همان) و کنش عاطفی «عجب! عجب! آفرین!» (همان: ۱۳)، به‌عنوان یک راهبرد فریبنده، ادب مثبت تحلیل می‌شود. این تعریف و تمجیدهای سطحی، با هدف حفظ همکاری ظاهری و جلوگیری از انقلاب دختر قالی‌باف، در نهایت برای سوءاستفاده از هنر او به کار می‌رود. هرچند او با ستایش، وانمود به همدلی می‌کند تا بتواند کنترل مالی خود را حفظ نماید.

نوع شخصیت	نام شخصیت	اعلامی	تهدیدی	عاطفی	تربیتی	اظهاری
قهرمان	دخترک	۷/۵	۷/۵	۷/۵	۳۶/۷	۷۸/۵
مرد قهرمان	حشمت‌خان	=	=	۱۶/۲	۶۸/۷	۴۷/۹

۲-۳. طبقه بندی کنش گفتاری در حسناء و الثعبان الملکی

در داستان *حسنا و الثعبان الملکی* روایت دربارهٔ دختری به نام حسناء است که در صحرای شرق مصر همراه مادر بزرگش زندگی می‌کند و پس از فقدان مادر و دوری پدر، با تهدید ازدواجی ناخواسته روبه‌روست. وقوع سیل و راهنمایی مار سلطنتی، حسناء را به معدنی تاریخی و چشمه‌ای حیات‌بخش می‌رساند که رهایی او و خانواده‌اش از فقر را رقم می‌زند. بر این اساس، پژوهشگر به تحلیل کنش‌های گفتاری شخصیت‌ها می‌پردازد.

در این داستان، کنش گفتاری قهرمان (حسنا) بیشتر با موقعیت‌ها و شخصیت‌های فرعی است و ضد قهرمان (همکار پدر) به صورت غیرمستقیم و از طریق نظام اجتماعی و مالی، اقتدار خود را اعمال می‌کند.

■ قهرمان

حسنا شخصیتی است که با تکیه بر پرسشگری و تعهد درونی، با تهدیدهای طبیعت و اجتماعی مواجه می‌شود.

۲-۳-۱. کنش‌های ترغیبی: اتکاء بر راهبرد غیرمستقیم

بارزترین ویژگی کنش‌های حسنا، استفاده غالب از پرسش‌های بلاغی و استدلالی است که نمونه‌ای برجسته از راهبرد غیرمستقیم است. این راهبرد به او اجازه می‌دهد که ترس‌ها، شک‌ها و برنامه‌های خود را بدون درگیری مستقیم یا پذیرش مسئولیت کامل بیان کند: «اگر سیل مادر بزرگم را محاصره کرده باشد چه کنم؟!» (الشارونی، ۲۰۱۰: ۸) آیا می‌توانستم خودم را به خطر بیندازم...؟!» (همان).

این شیوه، شدت فشار روانی ناشی از تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد و چهره منفی او (استقلال در تصمیم‌گیری) را از سرزنش دیگران حفظ می‌کند. تنها کنش ترغیبی صریح او در برابر شخصیت مقتدر دیگر یعنی پدر است که مستقیماً وجهه منفی او را نشانه می‌رود: «چگونه راضی می‌شوی با مردی ازدواج کنم که سی سال یا بیشتر از من بزرگ‌تر است؟!» (همان: ۲۷).

۲-۳-۲. کنش‌های اظهاری و تعهدی: باز تولید وجهه مثبت

اظهارات حسنا نشان‌دهندهٔ رشد و بلوغ شخصیتی اوست. اظهارات اولیه ترس‌آلود و توصیفی است، اما در نهایت، کشف چشمه آب با اظهارات پیروزمندانه و سازنده وجهه مثبت او همراه می‌شود: «من یک چشمهٔ آب پیدا کرده‌ام!!» (همان: ۴۶).

کنش‌های تعهدی او نیز بر محور حفاظت و تأمین شکل گرفته و وجهه مثبت او را به‌عنوان یک حامی تعریف می‌کند: «هرگز نمی‌گذارم نیاز به آب ما را بکشد» (همان: ۱۷).

۲-۳-۳. کنش‌های عاطفی: ادب مثبت

کنش‌های عاطفی حسناء (سلام، سپاس‌گزاری) نشان‌دهنده ادب مثبت بالا و تمایل به ایجاد همبستگی است: «از تو سپاس گزارم» (همان) «ممنونم» (همان: ۴۰). او با قدردانی از کمک‌های غیبی (مار سلطنتی)، وجهه مثبت خود را به‌عنوان فردی قدرشناس و همکار تأیید می‌کند.

■ ضد قهرمان

در این داستان، ضد قهرمان (همکار پدر) حضور گفتاری حداقلی دارد و قدرت خود را از طریق اعمال رسمی و اداری اعمال می‌کند.

۲-۳-۴. کنش‌های اعلامی: تهدید مستقیم و وجهه منفی با قاطعیت

دو کنش اعلامی او در متن، اوج اعمال قدرت او و بزرگ‌ترین کنش‌های تهدیدکننده وجهه علیه وجهه منفی حسناء هستند: «قرارداد را می‌نویسیم» (همان: ۲۶) و «عروسی را برای یک یا دو سال به تأخیر می‌اندازیم» (همان).

این اعلام‌ها، که به‌طور کامل بدون پرده‌پوشی بیان می‌شوند، در ساختار اجتماعی دیکتاتورمآبانه داستان، اقتدار به حدی بالاست که فرد مقتدر خود را موظف به حفظ ادب یا توجیه نمی‌بیند و صرفاً با اعلام، سرنوشت دیگری را تعیین می‌کند.

۲-۳-۵. کنش تعهدی: نفی استقلال قهرمان

تعهد او: «تو می‌گویی او سنی ندارد، پس نظرش هرگز چیزی جز موافقت نیست» (همان)، یک تعهد رسمی و در عین حال یک کنش‌های تهدیدکننده و جهت غیرمستقیم علیه و جهت منفی حسناء است. او با این جمله، حق نظر، انتخاب و استقلال (وجهٔ منفی) حسناء را پیشاپیش ملغی اعلام می‌کند.

درصد کنش‌های گفتاری در شخصیت‌های داستان حسناء و الشعبان الملک

نوع شخصیت	شخصیت	اعلامی	تهدیدی	مطلبی	تربیتی	تفاهری
قهرمان	حسناء	۲/۱۱	۲/۲۲	۴/۲۵	۲/۱۰	۴۷/۱۰۸
ضدقهرمان	همکار پدر	۱/۰	۰/۵۲	-	-	-

۲-۴. تطابق عملکرد در دو اثر

مقایسهٔ دو رمان، تفاوت‌های چشمگیری را در نحوهٔ مدیریت و انتخاب راهبردهای ادب با توجه به متغیرهای قدرت و فاصله اجتماعی نشان می‌دهد:

۲-۴-۱. مدیریت قدرت و فاصله

در داستان «سفر به شهر سلیمان»، تقابل بر سر قدرت، قهرمان و ضد قهرمان را به استفاده از راهبرد صریح سوق می‌دهد. حشمت‌خان از این راهبرد برای تحمیل استفاده می‌کند و دختر قالی‌باف در نقطه عطف داستان، از آن برای رهایی و نقض اقتدار بهره می‌برد. فاصله اجتماعی کم و تعامل مستقیم، شدت رویارویی را بالا می‌برد. در داستان «حسنا»، ضد قهرمان به دلیل بالابودن شدید قدرت و جایگاه رسمی، نیازی به تعامل مستقیم ندارد و کنش‌های تهدیدکننده و جهت خود را از طریق کنش‌های اعلامی رسمی و غیرشخصی اعمال می‌کند. این امر، فاصله اجتماعی را به قدری زیاد می‌کند که هیچ فضایی برای مذاکره یا ادب باقی نمی‌ماند.

۲-۴-۲. سبک شخصیتی و راهبردهای ادب

دختر قالی‌باف در مدیریت وجهه خود، بر تعهد و صراحت عاطفی تأکید دارد که نشان‌دهنده شخصیتی است که هویت خود را در کنش فعال و رویارویی مستقیم تعریف می‌کند.

حسنا (الشارونی) در مواجهه با تهدیدات متعدد، به راهبرد غیرمستقیم تکیه می‌کند که نشان‌دهنده احتیاط، تفکر و ارزیابی عمیق خطر است. شخصیت او در ابتدا درگیر چالش‌های درونی و بقا است و صراحت را تنها در مقابل پدر و در نهایت ناامیدی به کار می‌برد.

تحلیل کنش گفتاری نشان می‌دهد که هر دو قهرمان نوجوان برای دفاع از وجهه منفی خود (آزادی و استقلال)، به صراحت روی می‌آورند، اما مسیر دستیابی به این صراحت متفاوت است. دختر قالی‌باف با اعلام قاطعانه پایان در یک محیط تنگاتنگ است و حسنا با پرسشگری مداوم و در نهایت کشف رهایی‌بخش در محیطی باز و پرمخاطره است.

جدول زیر، تطابق عملکرد کنش‌های گفتاری و راهبردهای ادب در دو اثر است.

محور	سفر به شهر مکه	حسنا
قدرت	تقابل مستقیم؛ صراحت تهاجمی و رهایی‌بخش	قدرت رمزی؛ تهدید غیرشخصی
فاصله اجتماعی	کم؛ رویارویی شدید	زیاد؛ حذف مذاکره
راهبرد ادب	صریح (Bald On-Record)	غیرمستقیم (Off-Record)
شخصیت قهرمان	فعال، صریح، کنشی	مخاطب، پرسشگر
مدیریت وجهه	دفاع صریح از وجهه منفی	حفظ وجهه منفی با احتیاط
مسیر رهایی	اعلام قاطع در فضای تنگ	کشف تدریجی در فضای باز

۳. نتیجه‌گیری

تحلیل تطبیقی دو رمان سفر به شهر سلیمان و *حسنا و الشعبان الملکی* نشان می‌دهد که کنش گفتار در ادبیات نوجوان، یکی از بنیادی‌ترین سازوکارهای هویت‌سازی و شخصیت‌پردازی است. چارچوب براون و لوینسون، با تمایز میان وجههٔ مثبت و منفی و تشخیص راهبردهای ادب، امکان فهم از سازوکارهای ارتباطی میان شخصیت‌ها و نوع مواجههٔ آنان با قدرت را فراهم کرده است. نخستین یافتهٔ مهم پژوهش آن است که قدرت و فاصلهٔ اجتماعی نقشی تعیین‌کننده در انتخاب راهبردهای گفتاری دارند. در سفر به شهر سلیمان، نزدیکی مکانی و روانی میان قهرمان و ضدقهرمان، همراه با حضور دائم قدرت در سطحی کاملاً شخصی، باعث می‌شود کنش‌های گفتاری هر دو شخصیت صریح، تنش‌زا و عمدتاً بدون پوشش باشد. دختر قالی‌باف با کنش‌های اظهاری و تعهدی، ابتدا وجههٔ مثبت خود را می‌سازد و در نهایت، در نقطهٔ اوج روایت، با یک کنش اعلامی صریح، اقتدار حشمت‌خان را نقض می‌کند. این نشان می‌دهد که صراحت گفتاری برای او راهبردی رهایی‌بخش و ابزار بازپس‌گیری استقلال است. در داستان عربی، قدرت ضدقهرمان ماهیتی نهادی، رسمی و از بالا به پایین دارد. به همین دلیل، کنش‌های تهدیدکنندهٔ وجهه در این داستان بیشتر شکل اعلام‌های رسمی و کنش‌های تعهدی تحمیلی پیدا می‌کنند. حسنا برای مدیریت این تهدید، به راهبردهای غیرمستقیم، پرسش‌های بلاغی و ادب منفی گرایش می‌یابد؛ زیرا این راهبردها کم‌هزینه‌ترین شیوه برای حفظ استقلال در برابر ساختاری قدرتمند و غیرقابل‌مذاکره هستند. او تنها در برابر پدر که نسبت قدرت در آن رابطه کمتر مطلق است، صراحت گفتاری را به کار می‌گیرد. یافتهٔ مهم دیگر این است که هر دو قهرمان با وجود تفاوت‌های معنادار در بافت اجتماعی، نهایتاً برای حفظ و تثبیت وجههٔ منفی خود (آزادی و استقلال)، به کنش گفتاری صریح رو می‌آورند؛ اما مسیر آن‌ها متفاوت است. دختر قالی‌باف از آغاز با میل به رهایی تنیده شده و کنش‌های او

رویکردی رویارویانه دارد، در حالی که حسناء از مسیر اضطراب، تأمل درونی و پرسشگری به کنش صریح می‌رسد. پژوهش حاضر مبنایی برای بررسی روابط میان زبان، هویت و قدرت در آثار کودک و نوجوان در گستره فرهنگ‌های مختلف است.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- ۱) ایگلتون، تری (۱۳۸۰)، *پیش در آمدی بر نظریهٔ ادبی*، ترجمهٔ عباس مخبر. تهران: مرکز.
- ۲) براهنی، رضا (۱۳۶۲)، *قصه‌نویسی*. چاپ سوم. تهران: نشر نو.
- ۳) جلالی، مریم (۱۴۰۳)، *تأملی بر شناخت مخاطب در ادبیات کودک و نوجوان*، تهران: جهاد دانشگاهی مرکز بهشتی.
- ۴) زیگلر ایزابل، ترجمه خدادا موقر (۱۳۶۸)، *هنر نویسندگی خلاق*، تهران: پانویس.
- ۵) الشارونی، یعقوب. (۲۰۱۰)، *حسنا و الشعبان الملکی*. القاهره: المكتبة الخضراء للأطفال، دارالمعارف.
- ۶) صفوی، کوروش (۱۳۸۷)، *در آمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سورهٔ مهر.
- ۷) عموزاده خلیلی، فریدون. (۱۳۶۸). *سفر به شهر سلیمان*، تهران: امیرکبیر.
- ۸) غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳)، *ادبیات تطبیقی: تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی*. ترجمهٔ سید مرتضی آیت‌اله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- ۹) قنادان و همکاران. (۱۳۷۵). *مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی*. تهران: آوای نور.
- ۱۰) کفافی، عبدالسلام (۱۳۸۲) *ادبیات تطبیقی*، ترجمهٔ حسین سیدی. مشهد: آستان قدس رضوی.

- (۱۱) میرصادقی، جمال (۱۳۸۹)، *راهنمای داستان نویسی*، به ضمیمه واژه‌نامه اصطلاحات ادبیات داستانی، تهران: سخن.
- (۱۲) ندا، حله، (۱۳۷۸). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه هادی نظری منظم. تهران: نی.

ب: مقاله‌ها

- (۱) جلالی، مریم (۱۳۹۳)، «لذت از ادبیت، دروازه ورود کودکان و نوجوانان به کتابخوانی»، دوفصل‌نامه روشنان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. شماره ۱۸، صص ۷۵-۸۱.
- (۲) حدادی، الهام، (۱۳۸۸)، «رویکردی روایت‌شناختی به داستان دو دنیا از گلی ترقی». *فصل‌نامه نقد ادبی*، شماره ۵، صص ۴۱-۷۲.
- (۳) کریمی، مهرداد، (۱۳۸۴)، «رازهای ماندگاری شخصیت‌ها در داستان‌های بچه‌ها»، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۹۳، صص ۱۰۳-۱۰۵.
- (۴) لطفی‌پور، کاظم (۱۳۷۲)، «درآمدی بر سخن کاوی»، *مجله زبان‌شناسی*، شماره ۹، صص ۹-۴۰.

ج: پایان‌نامه

- (۱) فقیه ملک‌مرزبان، نسرین (۱۳۸۰)، *شخصیت و شخصیت‌پردازی در مثنوی‌های عرفانی*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- 1) Brown, P., & Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge University Press.
- 2) Searle, John R. (1979). *expression and meaning: studies in the theory of speech acts*. Cambridge: Cambridge university press.
- 3) Palmer, F. R. (2008). *Semantics: a new outline*. Translated by Safavi, K. Tehran: Markaz Publications.
- 4) Verschueren, J. (2003). *understanding pragmatics* . London:Amold.